

ادامه از صفحه ۶

مردی که تا آخر از بقایای دفاع کرد

آیت با خلیل ملکی هم مخالف است و معتقد است حزب چوب مقالات ضدمذهبی خلیل ملکی را می خورد؛ «باید در آینده شدیداً از چنین اموری بپرهیزیم». مشخص نیست که این اصرار آیت برای رنگ و لعاب مذهبی دادن به حزب برای چیست؟ درحالی که هم از مرامنامه حزب زحمتکشان که پیش از آمدن او تدوین شده خبر داشته هم بقایای و منش او را می شناخته است. آیا برای آیت رویکرد مذهبی حزب چیزی بیش از یک ابزار نبوده است. به نظر می رسد که او به تلاش های احزاب مذهبی رقیب و موفقیت فعالیت امثال بازرگان و آیت الله طالقانی در جلب نظر مردم مذهبی برای مبارزه با شاه نظر داشته و به آنها به چشم رقیب می نگریسته است. او حتی به مسجد هدایت که محل سخنرانی های مشهور و مبارزه آیت الله طالقانی بوده هم مشکوک است و می نویسد: «... جمعیت نهضت آزادی با وجودی که گردانندگان آن در باطن اعتقادی به مذهب ندارند از این نیرو حداکثر استفاده را می برند و مسجد هدایت را سنگر خود قرار داده و بدین وسیله جمع کثیری را به طرف خود جلب کرده اند». آیت هم شاید مانند شریعتی به قابلیت انقلابی مذهب شیعه واقف بود و از اینکه حزب متوেষش به آن شاکي بود. در نامه اش به بقایای می نویسد که مسئله مذهب و استفاده از نیروی عظیم مذهبی از مسائلی است که باید مورد توجه کامل حزب قرار گیرد: «این همه پول و انرژی که صرف ساختمان مسجد و امور مذهبی می گردد به سان نهر عظیم خروشانی می ماند که استفاده ای که باید از آن عاید نمی گردد و بعضی اوقات موجب تخریب نیز می شود. ولی وقتی همان رود را به وسیله بستن سد مهار کردیم می توانیم حداکثر استفاده را از آن بنماییم». این ایده تا آخر با آیت امتداد پیدا می کند؛ درباره اینکه آیا آیت به مذهب تکیه صریحا ابزاری داشت یا نه، نظرها متفاوت است. حمید سیف زاده از اعضای حزب زحمتکشان که با آیت آشنایی هم داشته است دراین باره سال گذشته در حاشیه سالگرد بزرگداشت آیت به «شرق» گفت: «به سیاست دینی و به ولایت فقیه اعتقاد داشت. البته من رفتار خلاف دین از او ندیدم. منزل ما زیاد می آمد. موردی که از آن زمان خاطر هم هست «آیت» زیاد درباره اش صحبت می کرد نگاه مثبتش به سلسله صفوی بود. معتقد بود این سلسله توانست به ایران یک سیاست مذهبی مستقل بدهد و شیعه را رسمی کند».

نامه آیت مفصل است و از برخی رفتارهای اعضای حزب هم گلايه دارد. پاسخ بقایای به نامه مفصل آیت فقط چند سؤال است. او از آیت می خواهد که به این سؤال ها و ادعاهایی که در نامه اش طرح کرده جواب دهد و برایشان مصداق پیدا کند. مشخص نیست که آیا آیت پاسخی به این نامه می دهد و این نامه نگاری ادامه پیدا می کند یا نه. آبادیان در کتاب زندگی سیاسی دکتر بقایای به نقل از اسناد خود بقایای می نویسند از نگاه قدیمی های حزب زحمتکشان آیت فردی جوان، احساساتی و نیخته بود. مظفر بقایی در کتاب خاطرات خود که در ایران هم منتشر شده درباره آیت می گوید: «یک جوانی بود خیلی زحمتکش امکانات مالی اش هم خیلی محدود بود. بعد از قضایای ۱۳۴۰ او معتقد به مبارزه مسلحانه شد و چون گوینده دو تا از حوزه ها هم بود در حوزه این موضوع را تبلیغ می کرد. . در صورتی که شعار ما مبارزه مان در چارچوب قانون با حفظ نظم و سکوت بود».

اخراج از حزب زحمتکشان طبق نوشته کتاب زندگی سیاسی مظفر بقایای به خاطر مواضع تند سیاسی او بوده است. اما «مظفر بقایی» درباره این اخراج می گوید: «یک بار به او تذکر داده شد که تبلیغ نکند اما ادامه داده بود... این ممکن بود برای حزب یک نقطه ضعف باشد... این تذکرات به جایی نرسید رویش تصمیم گرفته شد، یعنی با او صحبت شد که از این عقیده اش باید عدول کند حاضر نشد، مطابق مقررات حزب محکوم به اخراج موقت از حزب شد. تغییر عقیده هم نداد». بقایای می گوید اخراج کامل او سال ۵۲ رخ داد زمانی که به گفته او آیت وارد کار تشکیلاتی برای مبارزه مسلحانه شده بود و درصورت لو رفتن سابقه عضویتش در حزب ممکن بوده گزکی به دستگاه بدهد. همسر «آیت» هم در گفت وگویی تأیید کرده بود که او با برخی ارتشی ها ارتباط برقرار کرده و دنبال تشکیلات بود. احتمالا همین ها بوده که به گفته بقایی: «پیشنهاد کردند که همان ماده اخراج (کامل) درباره او اجرا نشود». نکته جالب این خاطرات اما این است که بقایای باوجود همه اینها از آیت هیچ وقت بد نمی گوید، بلکه او را به مردانگی متصف می کند و می گوید که بعد از انقلاب در جریان تصویب اعتبارنامه اش وقتی از سوی برخی نمایندگان از جمله خلخاللی منتم به عضویت در حزب زحمتکشان و حمایت از بقایای می شود مردانه پشت بقایای می ایستد و از گذشته اش دفاع می کند. آیت در دفاع از اعتبارنامه اش در مجلس گفته بود: «سال ۴۱ بقایای اولین فردی بود که از طرف سیاستون اعلامیه داد. اولین فردی بود که ضد کاپیتولاسیون اعلامیه داد».

زمستان گذشته بود که بحث فساد در ابعاد مختلف آن به ویژه از تنوع احتمال ورود پول های کثیف به انتخابات به یکی از سوژه های داغ رسانه ای تبدیل شد. زمستانی که در آن رنگ سپیدی برف بر چهره اغلب شهرها پیدا نبود. در فصل سردی که گرمای روزهایش اگر اغراق نباشد به بهار و تابستان تنه می زد، هربار ابعاد مختلفی از برخی تخلفات رخ داده در دولت قبل عیان می شد. اما برخی از اتفاقات بود که خواسته یا ناخواسته فساد را به انتخابات پیوند می زد. موضوع از نامه محمدرضا رحیمی به احمدی نژاد شروع شد. بعد از آنکه احمدی نژاد از اتهامات وارده به معاون اول خود اعلام برائت کرد رحیمی در پاسخی اعتراض گونه، در جایی از نامه سراسر گلایه آمیز خود از فردی به نام جابر ابدالی نام برده بود که مبلغ یک میلیارد و دویست میلیون تومان را در اختیار رحیمی قرار می دهد تا بین ۱۷۰ کاندیدای انتخابات مجلس هشتم توزیع کند. موضوعی که رحیمی البته به خاطر آن بازخواست نشد. همین روز گذشته هم غلامحسین محسنی اژه ای سخنگوی قوه قضائیه گفت که «رحیمی پول را به بعضی از ستادهای انتخاباتی داده است؛ برخی از افرادی که گفته است: آنها کاندیدی بوده و برخی هم نبوده اند. اما جرمی که به خاطرش محکوم شده این نیست و این اطلاعات را به کسی نمی دهیم». دقیقاً موضوعی که فعالان و کارشناسان سیاسی هم در گفت وگویی خود با «شرق» بر آن تأکید کردند. یعنی چون در این باز زمانی خلا قانونی دراین باره وجود داشته است، نمی توان کمک کننده و کمک گیرنده را متهم کرد. این درحالی است که به تازگی برخی از نمایندگان مجلس از رد پای فردی به نام «ج الف» خبر می دهند که برادر یکی از مجرمان مالی است و قصد ورود به مجلس را با استفاده از برادر خود که اول نام او هم «ج الف» است دارد. مؤید حسینی صدر این خبر را به «ایلنا» داده و در توضیح آن گفته است: «برادر یکی از مجرمان مالی قصد ورود به مجلس را دارد که این مجرم مالی نامش در پرونده معاون اول رئیس جمهور سابق مطرح است و در زمان تکیه زدن محمدرضا رحیمی بر صندلی دیوان محاسبات، نامبرده در سمت مدیرکل استان آذربایجان غربی مشغول بوده است». به گفته او «برادر متهم مالی یانده شده فردی به نام «ج-الف» است که حرف اول نام وی با برادرش یکی است». نام جابر ابدالی با پرونده معروف بیمه ایران گره خورده است. پرونده ای که منجر به محکومیت محمدرضا رحیمی به جرم ارتشا و کسب مال نامشروع شد. رحیمی اگرچه در نامه خود به احمدی نژاد فقط به یک میلیارد و دویست میلیون تومانی اشاره می کند که از سوی جابر ابدالی به او پرداخت شده است اما به گزارش سایت میدان ۷۲ متعلق به هواداران محمود احمدی نژاد، ابدالی در سال های ابتدای دهه ۸۰، توسط تعدادی از نمایندگان دوره های گذشته مجلس و برخی مقامات اجرائی و قضائی، به محمدرضا رحیمی، رئیس وقت دانشکده حقوق دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، معرفی می شود و بعد از آنکه مجلس هفتم، رحیمی را به عنوان رئیس دیوان محاسبات انتخاب می کند. ابدالی وارد دیوان می شود. سایت جهان نیوز هم از او به عنوان متهمی یاد می کند که بدون سابقه استخدامی وارد یک نهاد نظارتی (دیوان محاسبات) شده و به رسیدگی به اسناد پرونده بیمه ایران می پردازد. داستان تخلف هم در این پرونده از همین جا آغاز می شود. جابر ابدالی در نهایت به اتهام تشکیل شبکه اختلاس توأم با جعل از بیمه ایران و با استناد به ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس مصوب سال ۱۳۶۷، به ۱۵ سال حبس، رد و جوجه تحصیلی به مبلغ ۱۸میلیاردو ۵۰۰میلیون ریال و جریمه نقدی به مبلغ ۳۷میلیارد ریال محکوم می شود. جابر ابدالی هم اکنون در زندان است و این درحالی است که ۱۷۰ نامزد از او پول دریافت کرده اند. پولی که احتمالا منشأ آن روشن نبوده است. این درحالی است که مؤید حسینی صدر قبلا هم گفته بود که «از همین حالا برادر یکی از مجرمان معروف اقتصادی در تلاش برای کاندیداشدن در انتخابات آتی مجلس است و این فرد با پول همان مفسد اقتصادی در زندان، درحال فعالیت انتخاباتی، تلاش برای خرید رای و ایجاد تیم های خبرسازی است. بااین حال نبود قانون مجزا دراین باره، باعث شده است تا برخی از چهره های سیاسی هم به راحتی درباره مبلغ پولی که بین کاندیدها توزیع شده، صحبت کنند و از هرگونه اتهام احتمالی هم خود را میرا بدارند. چراکه این روال معمولی است که در سال هایی که انتخابات برگزار شده، روی داده است؛ چه محمدرضا باهنر در همان واپسین روزهای اسفند گرم، رقم تریبی را بین چهار تا پنج میلیون تومان بین نمایندگان اعلام کرده بود. او در گفت وگو با سالنامه «شرق» گفته بود که «خیلی راحت به شما می گویم این ۱۷۰ نماینده که اسامی شان هم هست، می توان قاطعانه گفت بالای ۸۰، ۹۰ درصد شان نمی دانستند پول مال «جابر ابدالی» است». او همچنین تأکید کرده بود: «حالا نماینده ها به کنار، من به همه پول هایی که گرفتم و دادم، دقت کردم که پاک باشند».

ورود پول های کثیف

بحث پاک و ناپاک، یا همان پول تمیز و کثیف را هم وزیر کشور در همان روزها مطرح کرده بود. عبدالرضا رحمانی فضلی برای اولین بار در جلسه ستاد مبارزه با مواد مخدر از ورود پول های کثیف به سیاست و انتخابات

خبر کشید. اما با نامه رحیمی و بعد از آن با سخنان وزیر کشور، گویا پرده ها برافتاد و زمزمه ها از لزوم شفاف شدن هزینه های انتخاباتی خبر دادند. این موضوع تا جایی پیش رفت که دولتی ها و البته وزارت کشوری ها از تدوین لایحه ای برای شفاف شدن هزینه های انتخاباتی سخن گفتند. زمستان تمام شد و بهار اسمال، اواخر خردادماه

«عبدالرضا رحمانی فضلی»، وزیر کشور، از تقدیم لایحه ای در این باره سخن گفت. بالاخره روز شنبه هفته جاری، حسینعلی امیری، قائم مقام وزیر کشور دراین باره گفت: «لایحه شفاف سازی هزینه انتخاباتی را تقدیم دولت کردیم و امیدواریم هرچه زودتر به مجلس برود و تصویب شود. قانونی که به گفته فعالان سیاسی هر قدر هم که کامل نباشد، اما بهتر از بی قانونی در این

استقبال از شفافیت

در همین زمینه حمیدرضا ترقی از اعضای شورای مرکزی مؤتلفه به «شرق» می گوید: «کاملا موافق هستیم که در قانون انتخابات، روابیاتی تصویب بشود که در آن هزینه های مربوط به انتخاب هر فرد به صورت شفاف مطرح باشد و مشخص شود که نامزدها از چه منابعی و به چه میزان برای انتخابات هزینه کرده اند. او ادامه می دهد: «باید روابیاتی هم برای منابع مشروع کمک به نامزدها در نظر گرفته شود که اگر کسی خارج از آن منابع، کمک دریافت کرد، مشمول رد صلاحیت تلقی شود». ترقی درعین حال اضافه می کند که «کنترل یا مشخص شدن حساب های انتخاباتی نامزدها و پرهیز شدن نقش احزاب در حمایت از کاندیدها، می تواند به شفاف شدن هزینه ها کمک کند».

تعریف پول کثیف هم وجود ندارد

ناصر ایمانی از کارشناسان اصولگرای مسائل سیاسی هم با تأکید بر اینکه صرف نظر از اینکه مفاد این لایحه چه خواهد بود، اما تهیه آن یکی از اقدامات بسیار بزرگ این دولت است، به «شرق» می گوید: «ما در کشور تاکنون قانون مدونی نداشته ایم که به کاندیدها بگوید از چه منابعی باید برای انتخابات استفاده کنند. کدام یک از این منابع سالم و کدام یک کثیف است». او ادامه می دهد که «قانون باید مشخص کند مبالغی که کاندیدها باید برای هزینه های انتخاباتی صرف کنند، محدود بشود و یا نشود». او با بیان اینکه «ما در گذشته تجربه های تلخی از این موارد را داشته ایم»، توضیح می دهد که «قبلا به خاطر نبودن قانون نمی شد از کاندیدها یا کمک کننده ها در برابر هزینه های انتخاباتی سؤال کرد که چرا کمک کرده اید و یا چرا کمک گرفته اید». او هم گوشه چشمی به قوانین سخت گیرانه کشورهای جهان درباره هزینه های انتخاباتی داشته و مسیر قانونی شدن این موضوع را ادامه بحث های پول کثیف می داند. او اضافه می کند که «حتی تعریف پول کثیف هم وجود ندارد. این درحالی است که این لایحه می تواند تکلیف این موضوع را هم روشن کند». از سوی دیگر محمدجواد حق شناس، از اعضای شورای مرکزی حزب اعتماد ملی، هم در گفت وگویی خود با «شرق» در این باره می گوید: «امروز یکی از شاخص های تأیید شده در حوزه حکمرانی خوب، شفافیت است». به گفته حق شناس «شفافیت نقش تأثیرگذاری در ارتقا و یا تنزل رده بندی کشورها دارد».

او ادامه می دهد: «فکر می کنم یکی از شاخص های مهم این مجلس انتخابات و نیز حوزه هایی است که به تصمیم گیری و تصمیم سازی درباره منافع مردم مرتبط می شود». او ادامه می دهد که «به همین منظور باید در چند حوزه به طور هم زمان فعالیت کرد که یک بخش آن قانون گذاری است. بحث دیگر نهادسازی است؛ نهادهایی که وظیفه دارند به شفاف سازی به عنوان یک وظیفه و یک ابزار ارتقای جامعه توجه کنند».

به گفته حق شناس همچنین احزاب و رسانه ها هم

سیاست



استقبال فعالان حزبی از لایحه شفافیت منابع مالی نامزدها

انتخابات شیشه‌ای

مرجان توحیدی

می توانند نقش بسیار جدی در حوزه شفافیت سازی بازی کنند. حق شناس ادامه می دهد که «علاوه براین در قوای سه گانه هم نهادهایی هستند که می توانند کمک کننده باشند؛ مثل خود مجلس که یک نهاد نظارتی است و یا دیوان عدالت اداری و یا سازمان بازرسی می توانند کمک کننده باشند». او ادامه می دهد: «اما جایگاه مجلس به خاطر بُعد نظارتی و قانون گذاری آن، طبیعتا از نظر برگزاری انتخابات باید به گونه ای باشد که افراد سالمی وارد آن شوند». او اضافه می کند: «چون کرسی های مجلس محدود است داولطلبان فراوانی چشم دارند که این کرسی ها

را به دست بیاورند. بنابراین نباید به گونه ای باشد که افراد از طریق راه های غیرمشروع، ناسالم و پول های کثیف وارد رقابت شوند».

توزیع پول از جانب رحیمی فساد نیست

موضوع دیگر اما این است که اساسا لایحه شفافیت هزینه های انتخاباتی می تواند اثری در اصلاح فساد سیستمی داشته باشد یا خیر. به عنوان نمونه می تواند از بروز حوادثی مثل توزیع یک باره پول بین کاندیدها و وام دار کردن آنها به جاهایی که منشأ سالم بودن و یا فساد انگیز بودن آن مشخص نیست، جلوگیری کند تا به این وسیله مانع از گسترش نفوذ این جاها و پول ها در سیستم شود. ترقی البته در مواجهه با این مثال که آیا اجرای توزیع پول از جانب رحیمی بین کاندیدهای مجلس هشتم را مصداق بخشی از فساد سیستمی می داند یا نه می گوید: «بینا فساد تلقی نمی شود». او در توضیح سخن خود اضافه می کند که «ما از ابتدا قانونی نداشتیم که منبعی برای دریافت کمک های انتخاباتی به نامزد ها روشن کرده باشد. وقتی قانونی وضع نکرده ایم، نمی توانیم کسی را مجرم بشناسیم. هروقت قانونی وضع شد و منبع دریافت پول روشن شد، تخلف از آن را می توان به مثابه فساد نام برد». او اضافه می کند اما روند روشن شدن هزینه های انتخاباتی می تواند نقش مؤثری در جلوگیری از پول های کثیف به انتخابات و بروز فساد داشته باشد». ناصر ایمانی، در همین باره نظری مشابه ترقی داشته و به «شرق» می گوید: «صرف نظر از نام آقای رحیمی، که به علت پرونده دیگری کمک کننده شدند، صرف کمک مالی کردن به کاندیدها منع قانونی ندارد. شاید کمتر کاندیدایی بوده است که کمک مالی دریافت نکرده باشد و علت آن بالا بودن هزینه های انتخاباتی است. بنابراین اصل کمک کردن منع قانونی ندارد و در ۳۵ سال گذشته از عمر دولت، خیلی ها از این کمک ها کرده اند». او اضافه می کند: «اگر باز هم نام آقای رحیمی را کنار بگذاریم، اینکه هر فردی از منابع دولتی پولی را برداشت کند و آن را به هر مصرفی حتی امور خیریه برساند، این کار درستی نخواهد بود». در همین رابطه حق شناس هم معتقد است که «اگر این قانون به خوبی هدف گذاری شده باشد می تواند دسترسی شاه راه های فساد به کرسی های حساس مجلس را به حداقل برساند و در کاهش آن دخیل باشد». یک زمستان دیگر در پیش است و یک انتخابات دیگر. فعالان سیاسی ابراز امیدواری می کنند تا لایحه شفاف سازی هزینه های انتخاباتی بتواند به انتخابات سال جاری برسد. برای این کار باید لایحه با قید فوریت تقدیم مجلس شود. اگر همه چیز دست به دست هم دهد تا شفافیت هزینه های انتخاباتی تصویب شود، می تواند بخشی از راه مبارزه با فساد سیستمی در کشور را هموار کند.

آینه

آفتاب

کاسیان تحریم کار آفرین بودند؟؟

فیلم رسوایی کاسیان تحریم توسط حسن روحانی کلید خورد. درست زمانی که مردم در فشار اقتصادی به سر می بردند. حسن روحانی را برگزیدند تا شاید یک بار دیگر و پس از هشت سال زندگی روی خوش به آنها نشان دهد... در این میان طبیعی است که عده ای از آجرشدن نشان خشنود نشدن پس دست به کارشکنی زدند.

کیم

مسیر قانونی مسدود است؟

حسین شمسیان: مجلس شورای اسلامی، نقشی بی بدیل و غیرقابل عبور دارد و ایفای آن در این مقطع سرنوشت ساز، می تواند ضامن استقلال کشور باشد. بررسی و تصویب نمونه های متعدد و فراوان از پیمان نامه های بسیار کم ارزش تر از این موضوع... گویای آن است که مجلس این نقش را بر اساس قانون اساسی پذیرفته و به آن عمل نموده است.

اعتبار

بازگشت رقبای ۹۲

باید گفت منهای علی اکبر ولایتی که با پایان انتخابات ریاست جمهوری همچون حسن روحانی دفتر کارش عوض شده و برنامه ای برای نقش آفرینی در انتخابات مجلس دهم ندارد، حمیدباقر قالیباف، سعید جلیلی، غلامعلی حدادعادل، محسن رضایی، محمدرضا عارف و حتی محمد غرضی به همراه محمود احمدی نژاد که مرد محبوبش در انتخابات ریاست جمهوری نتوانست وارد بازی بزرگ انتخابات ریاست جمهوری شود برای انتخابات مجلس دهم برنامه دارند....

وطن امروز

درباره اعترافات بی سابقه عراقی

محمدباقر ادیب: یکی از حرف های بسیار خطرناک عراقچی این است که ایران چون چیزی برای مخفی کردن ندارد، بنابراین هراسی هم از نظارت هرچه هم عمیق باشد، نخواهد داشت. اولاً این نوع نگاه راه را برای پذیرش نظارت های فراهسته ای براساس فهرست NSG باز کرده است
ثانیاً چه کسی گفته است ایران چیزی برای مخفی کردن ندارد؟ تنها چیزی که ایران قصد مخفی کاری درباره آن را ندارد برنامه ساخت سلاح هسته ای است....



تجربه لحظات گرم و صمیمی

در شعبه نیاوران

نیاوران: خیابان دکتر باهنر (نیاوران)

قبل از دوراهی درازشایب

تلفن : ۰۲۷۷۲۴۴۰-۰۲۷۷۲۴۰۰

www.leon1960.com